

ماده‌ی ۱۴ نحوه‌ی انحلال جمعیت را مورد توجه قرار می‌دهد. جمعیت در دو صورت منحل خواهد شد: ۱. بسته به نظر ولی فقیه زمان؛ ۲. در صورتی که جمعیت هویت اسلامی خود را از دست بدهد، یا رأی دوسوم هیأت مؤسس یا سه‌چهارم شورای مرکزی یا اکثریت اعضای کنگره بر چنین امری تعلق بگیرد.

مواد ۱۵ تا ۱۸ به مسائل ناشی از انحلال می‌پردازند. در چنین حالتی باید اموال جمعیت در اختیار ولایت فقیه زمان قرار بگیرد و به اطلاع وزارت کشور برسد. تعداد مواد و تبصره‌های این اساسنامه نیز در ماده‌ی ۱۸ آمده است این اساسنامه به امضای دوازده نفر از اعضای هیأت مؤسس رسیده است به شرح زیر: ۱. حبیب‌الله عسگرآلادی؛ ۲. حبیب‌الله شفیق؛ ۳. اسدالله بادامچیان؛ ۴. سعید امانی؛ ۵. مصطفی حائری‌زاده؛ ۶. جواد مقصودی؛ ۷. ابوالفضل توکل بینا؛ ۸. سید اصغر رخ‌صفت؛ ۹. احمد کریمی اصفهانی؛ ۱۰. ابوالفضل حاجی حسدیری؛ ۱۱. جواد رفیق‌دوست؛ ۱۲. مهدی سعید محمدی.

گرچه این مرامنامه و اساسنامه نشان می‌دهد که اعضای هیأت مؤسس با زبان سیاسی و حقوقی جاری آشنایی ندارند، اما مشاهده می‌شود که جمعیت مؤتلفه در اساس سازمانی است بسته و متشکل که خواستار کسب قدرت، ترویج ارزش‌های اسلامی خاص و طرد هر گونه دگراندیشی است. ◇

پی‌نویس

۱. ناگفته‌ها. خاطرات شهید حاج مهدی عراقی. پاریس - پاییز، ۱۹۷۸ - ۱۳۵۰، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۰، تهران. صص ۱۶۴ - ۱۶۵.
۲. همان‌جا. ص ۱۶۶.
۳. بادامچیان، اسدالله. آشنایی با جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی. ناشر؟. محل انتشار؟. تاریخ انتشار؟. صص ۲۴ - ۲۵.
۴. بادامچیان، همان‌جا. صص ۱۵ - ۱۶.
۵. بادامچیان، همان‌جا. ص ۱۷.
۶. بادامچیان، همان‌جا. صص ۲۶ - ۲۷.
۷. همان‌جا.
۸. همان‌جا. ص ۲۷.

منابع

۱. ناگفته‌ها. خاطرات شهید حاج مهدی عراقی. پاریس - پاییز، ۱۹۷۸ - ۱۳۵۷، تهران. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۲. بادامچیان، اسدالله. آشنایی با جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی. ناشر؟. محل انتشار؟. تاریخ انتشار؟.
۳. روحانی، سید حمید. نهضت امام خمینی، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۳ جلد.
۴. دو اساسنامه از جمعیت مؤتلفه.

کارکردهای اقتصادی - اجتماعی هیأت‌های مذهبی

(شرکت اسلامی)

صفورا برومند، ویدا همراز

پیشین را از دست دادند و از ابتدای قرن نوزدهم میلادی (قرن دوازدهم هجری قمری) «صنعت کارگاهی و دستی به سرعت رو به انحطاط نهاد و علت آن هم داد و ستد با اروپا بود که به تدریج در تمامی بخش‌های کشور نفوذ کرد و زیان بسیاری به شاخه‌های صنعت بومی وارد کرد و گاه آن‌ها را از ریشه بر انداخت»^۱.

نویایی صنایع داخلی و امتیازهای اقتصادی و سیاسی انگلستان و روسیه، واکنش‌های مختلفی را در داخل کشور، و به‌ویژه از سوی روحانیان، بازرگانان و صنعتگران برانگیخت.

حمایت روحانیان از صنایع داخلی و انتشار رساله‌های مذهبی در چنین شرایطی شکل گرفت و بعدها زمینه‌ای شد برای مشارکت گروه‌های مذهبی در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی که تبلور این مشارکت را در مشروطه می‌توان، مشاهده کرد.

در این نوشتار، یکی از ثمرات این همکاری‌ها را از منظر کارکردهای اجتماعی و اقتصادی آن در قالب «شرکت اسلامی» بررسی می‌کنیم.

شکل‌گیری شرکت اسلامی

شرکت اسلامی نخستین کارگاه‌های تولیدی را که با تبلیغ و بازاریابی گسترده به فعالیت پرداخت، در ایران، تأسیس کرد. که با حمایت مطبوعات فارسی‌زبان چاپ خارج از ایران، رویه‌رو شد. علاوه بر آن غده‌ی زیادی از تاجران ایرانی مقیم کشورهای دیگر هم از این حرکت پشتیبانی کردند. تیزی و درایت مؤسسان شرکت اسلامی در برانگیختن

از سده‌ی یازدهم ه. ق - مقارن با دوران حکومت صفویه در ایران، تحولی گسترده در روابط بازرگانی ایران و اروپا روی داد. بدین معنا که با افزایش فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌های استعمارگر اروپایی در آسیا و تشکیل کمپانی بازرگانی هند شرقی، ایران بیش از پیش مورد توجه بازرگانان اروپایی قرار گرفت، زیرا نه تنها بازاری مناسب برای کالاهای مختلف محسوب می‌شد، بلکه به علت دسترسی به راه‌های بازرگانی هندوستان نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. در سال‌های پس از آن، ورود کالاهای اروپایی به ایران افزایش یافت، که این امر در دوران زمامداری قاجار به اوج رسید.

نابه‌سامانی‌های اجتماعی و منازعات سیاسی بران قبایل و ایلات، پس از اضمحلال دولت صفویه، سبب ضعف و رکود کارگاه‌های صنعتی شهرهای مختلف شد و هنگامی که حمایت دولت مرکزی از صنعتگران نیز کاهش یافت، این پدیده‌ها پیش‌تر شد.

با توسعه‌ی فعالیت شرکت‌های اروپایی و نفوذ آنان در آسیا و آفریقا، خرید مواد خام برای کارخانه‌های اروپایی افزایش یافت و بازرگانان اروپایی به خرید سوا اریه نظیر پنبه، پشم و کتان از کشورهای آسیایی علاقه‌مند شدند.

مقارن این ایام، به سبب اعطاء امتیازات سیاسی و تجاری به دولت‌های اروپایی از سوی حکمرانان قاجاری، واردات کالاهای خارجی به ایران افزایش یافت و طولی نکشید که بسیاری از بازرگانان و تولیدکنندگان ایرانی از گردونه‌ی تجارت خارج شدند. در این شرایط، و به‌مرور زمان، رؤسای اصناف نفوذ و قدرت

روحیه‌ی وطن‌دوستی و دین‌خواهی اقشار مختلف مردم و حمایت روحانیانی چون آقا نجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی، رمز موفقیت آن بود.^۲

در اصفهان که یکی از شهرهای پیشرو در تحریم عمومی تنباکو بود، پس از جنبش تنباکو، که فکر مقابله با تجار اروپایی قوت گرفت، آقانجفی و حاج آقانورالله، حمایت گسترده‌ای را از مؤسسان شرکت اسلامی آغاز کردند.

مبارزات این دو روحانی از اواسط دوره‌ی ناصری آغاز شد و تا دوره‌ی زمامداری رضاخان ادامه یافت.

حاج آقا نورالله در کتاب «مکالمات مقیم و مسافر» که به سال ۱۳۲۷ ه. ق. تألیف کرده، به خوبی اندیشه خودکفایی اقتصادی را بیان می‌کند: «... باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد که این قدر پول از ایران خارج نشود. نقره هم مثل طلا در ایران حکم عنقا را پیدا نکند و بآلمره سرمایه تجارت از دست نرود. مستبد می‌گوید: هر تجارت و صنعتی که فی‌الجمله تقع در آن متصور است، باید امتیاز آن را به خارجه داد. وجه تقدیمی دریافت نمود و اسباب رواج تجارت خارجه را در ایران تحصیل کرد. می‌خواهد که تجار و صنایع ایرانی فقیر شوند یا راه تجارت و صنعت آن‌ها مسدود شود.»^۳

در هر حال با چنین پیشینه‌ای بود که در ذی‌القعده ۱۳۱۶ ه. ق. حاج آقانجفی بعد از مراسم نماز جماعت در مسجد جامع سلطانی (مسجد امام خمینی) در سخنرانی مبسوطی ضمن استناد به آیات و روایات از مردم خواست که از مصرف کالاها و منسوجات خارجی خودداری کنند و به مصرف کالاهای داخلی روی آورند. بدین ترتیب شرکت اسلامی که مدتی قبل به وسیله عده‌ای از بازرگانان اصفهان شکل گرفته بود، با حمایت بخشی از روحانیان دینی فعالیت خود را گسترش داد.

شرکت اسلامی نخست به صورت یک هیأت اسلامی شروع به کار کرد. احمد مجدالاسلام کرمانی، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، میرزا نصرالله بهشتی، ملک المتکلمین و میرزا علی جناب، انجمنی به نام انجمن شرقی تشکیل داده بودند و هدف داشتند:

۱. از طریق وعظ و خطابه در مناظر و

مساجد و دعوت مردم به استفاده از امتعه‌ی وطنی، خودکفایی ملی را تشویق کنند.

۲. با تجار مذاکره نمایند و سرمایه‌ای برای تشکیل شرکت وطنیه جمع‌آوری کنند.

فعالیت آن‌ها با اقدامات حاج محمدحسین تاجر کازرونی که برای ترویج پارچه‌های وطنی انجمنی اسلامی تأسیس کرده بود، هماهنگ شد و سرانجام در ذی‌القعده ۱۳۱۶ ه. ق. ۵۰۰ هزار تومان سهام ۱۰ تومانی به نام «شرکت اسلامی» انتشار یافت.

به‌زودی کارگاه‌های تولیدی وابسته به این شرکت در اردستان شروع به کار کردند و پارچه‌هایی با دوام و با کیفیت خوب تولید نمودند که با نام پارچه اسلامی در سراسر کشور مورد استقبال قرار گرفت. در بوشهر، شیراز، قم، یزد، کرمان، مشهد، سمنان، کاشان، سلطان‌آباد، رشت، قزوین، بارفروش (بابل)، اشرف، کرمانشاه، تبریز، همدان، سنندج و کردستان نمایندگی‌هایی برای فروش کالا دایر شد و در تهران نیز حاج محمدحسین امین‌الضرب ریاست شعبه‌ی مرکزی را بر عهده گرفت.^۴

در بخشی از اساسنامه‌ی شرکت اسلامی ضمن تأکید بر عدم وابستگی آن به دولت‌های خارجی چنین آمده است:

«این شرکت به کلی از داد و ستد متاع خارجه ممنوع است. فقط هم خود را صرف ترقی متاع داخله و آوردن چرخ اسباب و کارخانجات مفیده خواهد نمود و حمل متاع داخله را به خارجه بر حسب اقتضاء و به‌موقع خود در کشیدن راه شوسه و راه آهن اقدام خواهد کرد.»^۵

فعالیت شرکت اسلامی موجی از شادی و سرور میان مردم شهرهای مختلف ایران برانگیخت و روزنامه‌های ایرانی نظیر ثریا و حبل‌المتین که در خارج از کشور منتشر می‌شدند، اخبار و مقالات بسیار در باره‌ی اهداف و اقدامات این شرکت به چاپ رساندند و در پی آن، بسیاری از بازرگانان و روحانیان آمادگی خود را برای تأسیس شرکت‌های مشابه اعلام کردند، چنان‌چه یکی از روحانیان خراسان به نام میرزا سید محمدآقا، تلاش کرد شرکتی به نام «جمع‌فریه» به شیوه‌ی شرکت اسلامی در شهر مشهد تأسیس کند.^۶

ادیب‌الممالک فراهانی شاعر مشهور نیز قصیده‌ای در تجلیل از شرکت اسلامی سرود که مطلع آن چنین بود:

ای عبرین فضای صفاهان زمن درود
بر خاک مشک بیز تو و آب زنده رود

در هر حال تحریم منسوجات فرنگی و استفاده از محصولات بافندگی وطنی شرکت اسلامی، به جریانی عمومی در سراسر کشور تبدیل شد و مراجع شیعه نیز به حمایت از این حرکت پرداختند. چنان‌چه در روز عید مبعث سال ۱۳۱۸ ه. ق. جمع کثیری از علما و بازرگانان نجف در منزل «حاجی عبود» گرد آمدند و اجناس و اقمشه‌ی اسلامی را که به تازگی آورده بودند، حاضر کردند و «حاجی شیخ محسن واعظ عراقی» چنین گفت:

«از امروز که عید شریف مبعث است، مقرر می‌فرمایم با دسترسی به منسوجات داخله منسوجات خارجه استعمال نشود. شما تجار هم که محط انظار و تجارت تمام بلادید هر قدر ممکن شود در شرکت و پوشیدن و ترویج منسوجات اسلامی قصور نفرمایید.»^۷

برخی از علمای مقیم عتبات نظیر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، آیت‌الله سیدمحمد کاظم، حجت‌الاسلام یزدی، آیت‌الله شریانی و آیت‌الله حاج میرزا محمدحسین نوری و... با صدور نامه‌های متعدد و ارسال تلگراف به اصفهان از این گونه اقدام‌ها حمایت کردند و عموم ملت را به تأسیس شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که عامل خودکفایی اقتصادی می‌شد، تشویق کردند.^۸



حاج آقا نجفی اصفهانی بعد از جنگ اول بین‌الملل

دیبری نگذشت که وقایع نهضت مشروطیت روی داد و انجمن های گوناگون برای ترویج مشروطه خواهی و مبارزه با استبداد در شهرهای مختلف ایران تشکیل شدند.

شرکت اسلامی در این دوره نیز به فعالیت خود ادامه می داد و یکی از اهداف انجمن های که برای دفاع از مشروطه در اصفهان و شهرهای دیگر تشکیل شدند، ترویج منشورات داخلی بود. در جشن های ملی که به مناسبت استقرار مشروطیت برگزار می شد، مقداری از محصولات وطنی به فروش می رسید و لباس مجاهدان مشروطه، اعضای انجمن ها، دانش آموزان مدارس همه و همه از این گونه پارچه ها تهیه می شدند.

روزنامه جهاد اکبر در سال ۱۳۲۵ ه. ق. در این باره از قول حاج آقا نورالله چنین می نویسد: «امروز بر ملت ایرانیه و حوزه اسلامی لازم و متحتم است که در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور و اندازه ی میسور بکوشیم، یعنی لوازم زندگانی را از لباس و فرش و مبیل و اسباب آلات و جنس خرازی از چاقو و مقراض و غیره تا آخرین درجه امکان از امتعه ی داخله خود استعمال نماییم و تا در مملکت خود

اگرچه به اضعاف قیمت و خشن باشد در بند ظرافت نباشیم و از خارجه نخریم و این اقتصاد ملکی و ملی را به کار بندیم و سرمایه و نقود را به خارجه نسپاریم.^۹

فعالیت سیاسی

گسترش دامنه فعالیت شرکت اسلامی که در فاصله سال های ۲۶ - ۱۳۲۴ ه. ق. با تشکیل «انجمن مقدس ملی» قدرت مندتر شده بود، سبب شد که رهبران و اعضاء این هیأت اسلامی به اظهار نظر در باره ی مسائل مهم سیاسی بپردازند.

یکی از مسائلی که مردم اصفهان با آن روبه رو بودند، ادامه ی حکومت ظل السلطان بود که از سال ها پیش بر این دینار حکومت می کرد. با استقرار مشروطیت، و به دنبال مبارزه با ظل السلطان علما و مردم اصفهان، در اقدامی هماهنگ در روز ۲۱ محرم ۱۳۲۵ ه. ق. به تلگرافخانه رفتند و با ارسال تلگرامی به تهران خواستار عزل ظل السلطان شدند. آقا نجفی، حاج آقا نورالله و حاج آقا شیخ مرتضی از جمله روحانیانی بودند که در این اقدام پیش قدم شدند. شدت و عمق اعتراض بدان پایه بود که حکومت وقت مجبور به عقب نشینی و عزل این شاهزاده شد.

فعالیت های اجتماعی

از دیگر فعالیت های بانیان شرکت اسلامی، می توان به انتشار مجله و تأسیس مدرسه و کتابخانه اشاره کرد که سابقه ی آن به سال ها قبل باز می گردد. یعنی آن هنگام که مبلغان مسیحی فعالیت گسترده ای را در اصفهان آغاز نموده بودند.

در این ایام مبلغان مسیحی خاصه مسیونرهای انگلیسی همگام با مبلغان کاتولیک فرانسوی با تأسیس مدرسه، یتیم خانه و بیمارستان و انتشار کتب و جزوه های تبلیغی به گسترش آراء و باورهای خویش همت گماشته بودند.

از این رو علما و اقشار مختلف جامعه و هم چنین آن دسته از اقلیت های مذهبی که با فعالیت آن ها مخالف بودند، برای خنثا کردن فعالیت های تبلیغی و تبشیری این هیأت ها اقداماتی انجام دادند. در این بین اعضاء شرکت اسلامی نیز کلیه ی امکانات مادی و تبلیغی خود را برای نیل به این مقصود، به کار گرفتند. اولین اقدام اعضاء این شرکت در مقابله با فعالیت مبلغان مسیحی پس از چاپ کتابی

تحت عنوان «یتایع الاسلام» صورت گرفت. این کتاب را، سنت کلا تیزدال، مبلغ انگلیسی وابسته به انجمن ترویج کتاب مقدس در خارج بریتانیا در رد آراء و عقاید اسلامی نگاشته بود. این اقدام تیزدال سبب شد تا آقاجنقی و حاج آقا نورالله که اقدامات گسترده ای را برای رفع سلطه ی اقتصاد، سیاست و فرهنگ انگلیس در اصفهان انجام داده بودند، به همراهی میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی - نایب الحکومه اصفهان - سید محمد علی داعی الاسلام، ناشر مجله «اسلام» را برای مباحثه با تیزدال برگزیدند. داعی الاسلام نیز پس از مطالعه کتب عهد عتیق و عهد جدید، زبان انگلیسی و اردو را فرا گرفت و با چاپ مجله اسلام در اصفهان و مجله ی «دعوت اسلام» در بمبئی، با مبلغان انگلیسی به مباحثه و مجادله پرداخت. گفتنی است، این اقدام با استقبال قابل توجهی روبه رو شد و با تکیه بر نامه های واصله به مجله در لندن و برخی پایتخت های اروپایی، مصر، بمبئی، حجاز و عثمانی به منظور رویارویی با آراء مبلغان مورد توجه متفکرین مسلمان قرار گرفت.^{۱۰}

از سوی دیگر، آقا نجفی طی ارسال نامه ای به ظل السلطان، اقدام مبلغان برای تأسیس چاپخانه و فعالیت های پزشکی مردان و زنان را مورد سؤال قرار داد و خواستار منع این گونه فعالیت ها شد.^{۱۱}

گفتنی است که علما و رجال مسلمان که در رأس آن ها تجار و علمای بانی شرکت اسلامی بودند، تنها به برگزاری مجالس مباحثه نپرداختند، بلکه در ۱۳۲۰ ه. ق. / ۱۹۰۱ م با ایجاد انجمنی به نام «انجمن صفاخانه» ابتدا در حجره های مدرسه ی صدر و سپس در جلفای اصفهان، به گونه ای سازمان یافته با فعالیت های تبلیغی مبلغان انگلیسی مقابله کردند.^{۱۲} به دنبال تأسیس انجمن صفاخانه چندین مدرسه توسط رجال اصفهان برای کودکان خاصه کودکان بی سرپرست ایجاد شد. که متن اعلام فعالیت این مدارس در روزنامه جهاد اکبر مورخ ۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ بدین مضمون است:

«بحمدالله تعالی آثار خیر و اظهار وطن دوستی از هر طرف پیداست و هوشمندان کاردان در اصفهان مدارح جدید احداث نموده اند، که هر یک مستغنی از تعریف و توصیف است. چون مدرسه باقریه و حقیقت و معرفت و ایمانیه و معارف و اتحاد و مدرسه اسلامی و نیز از مدارس جدید که همین اوقات

قبضی مربوط به مشارکت مالی در شرکت اسلامی اصفهان که هدف آن ترویج خودکفایی ملی در برابر نقود بازار اروپاییان در ایران بوده است.

در قیمت آبرو سالانه ۴
در ۱۴۴۰ مروه ایران
سپس قرآن ۳۶
در اسلامبول و سایر بلاد عثمان
چهار جلد سفید ۴
در قفقاز و سایر شهرهای اروپا
ده نمانت ۱۰
در کتاب فرنگستان و امیرکا
بیت زینت فرنگ ۳۵
در هندوستان و چین
دوازده رویه ۱۲
در مصر و المراق مصر
سه روای مصری ۳



در مرقع مراسلات
میرزا هاج محمد خان کاشانی
صاحب انبیا و کنز
روزنامه (نرا) در مصر
محل اداره بخارج مابین
Mr. Ali Mohamed
Khan Kachani
Redacteur, Proprietair
du Journal "Naraya"
Albion
Le Caire (Egypte)
بیت اعلان مطبوعه در فرنگ
است - در صورت تکثیر باید
بازره کنکور شود

روزنامه دم شهر جدای الاول تا ۱۳۱۷ هجری بموافق ۱۶ شهریور سنه ۱۸۱۱ مسیحی
این روزنامه هفت یکبار در روز شنبه ظهر در کنگره تنظیم میشود و از هر کونواقیان بولونیک و سیاسی و علوم و فنون
و صنایع و ادبیات و تجارت و غیره سخن بگوید مگر آنکه ممالک تابع محال دولت و ملت باشد بکمال ترتیب قبول و طبع و نشر
میشود و در اسلامبول و سایر بلاد و در صورت انتشار و عدم آن صاحبین حق است که از اخبار و اخبار دیگران بگویند و در قبول میشود

نرسیده ولی شماره مقالات روزنامه ملی ششبار
که تمام شمارههای پیش بر تصایح و مواظب مشفقانه
و مستوفی است است ملاحظه و ملاحظه کرده
و بیکنم و نظارای بدای خبر محبت متذکریم مخصوص
در قرآن شرکت اسلامی که در نمره ۳۳ و ۳۴
شرح نوت و کتابچه آراء درج نموده بودید لطیف
مخوشوقت عدم کلام این است اقدام در این عمل
خبر امروز بزرگه جهاد است و حقه الله توب و اجر
ضمیمه دارد چه ملت و ملت کلمه را از احتیاج
بکتابخانه بزرگ است - چنانکه بعضی از مسلمین
و مصلحین محض خدمت اسلام کلمه نظام که دیگر
نوت و سرمایه را که اهم مقصودشان و الله اعلم
قرار و وضعا است که قرار داده اند و هم بعضی

مهرست متذکریم
الفتار ملی ملت الظار - نرا - سیاسی -
دار السلام اسلامبول - قاهره مصر - مکتوب
از لکنده - نرا - مکتوب تبریک از طرف
یکی از عزیزان - دار السلام تبریک - امتهان
مکتوب از طرف - شرکت اسلامبول - نرا -
رشت - کردستان - امریکا و جزایر قیطن - نیه
مقاله پس لسان لاسی - شبه مقاله تجارت
مکتوب اخبار ملی - ملت الظار
در سوره مستطاب مبارک اسلامبول بعضی جناب
(حجیه الاسلام آقای آقا غنی نظام اللهیم)
(الذکران اللیل)
همیش میشود - اگر چه مراد از آنها بعضی

در ظل مکرمة آقای ثقة الاسلام در محله
شمس آباد به مباشرت و اداره جناب آقا میرزا
محمدعلی مازندرانی که از فضلا و اهل علم
می باشند، مؤسس گشته و جناب آقا میرزا
ابوتراب نایینی از اکابر طلاب و صاحب فطرات
مستقیم و خیرخواه وطن دوست می باشند،
نظارت مالیهی آنرا متکفل شده اند که بی پدران
و درماندگان اطفال ملت که در بهر و بی کار هر
طرف پراکنده اند، در این مؤسسه سرپرستی و
تعلیم شوند و به توسط علوم متداول و فنون
متداثر که به کار است آنهارا از خاک مذلت به
ارح وسعت علوم و صنایع انشاء... ترقی
دهند. ۱۳

همچنین در مانگاهی به نام «مریض خانه
اسلامیه» در محله گل بهار و در منزل حاجی
میرزا عبدالحسین انصاری، برای مداوای چهل
بیمه زن و مرد تأسیس شد که مخارج آن از
طریق اعاناتی که رجال شهر پرداخت می کردند،
تأمین می شد. انعکاس تأسیس این مریض خانه
در کتاب مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا
نورالله در بیان و تفسیر کلمه سلطنت ۱۳۲۷ ه
ق. چنین است:

«مشروطه می گوید باید در تمام شهرها
مریضخانه باز کرد که فقرا و ضعفا که تمکن
جانی و مالی برای علاج امراض خود ندارند به
مریض خانه بروند که غذا و پرستاری مجانی
داشته باشند و محتاج نشوند که فقرای
مسلمانان در مریضخانهی خارجه بروند و
آنهارا اولاً دعوت به مذهب مسیح بکنند و
بعد معالجه نمایند و محتاج نشوند که زنهای
مسلمان در مریضخانه خارجه بروند». ۱۴
در ضمن برای مقابله با فعالیت هیأت مبلغان
انگلیسی در زمینه توزیع کتب و رسالات دینی،
کتابخانه ای دایر کردند که برای استفاده از کتب
آن، مبلغ یک شاهی ورودی دریافت می شد.
این قرائت خانه در محلهی دروازه دولت
اصفهان قرار داشت و همه روزه از صبح تا شب
دایر بود.

نهادهایی چون شرکت اسلامیه، انجمن
مقدس ملی و انجمن صفاخانه که ریشهی آنها
در درون هیأت های مذهبی و مجالس سنتی
دعا بود با کارکرد اقتصادی و اجتماعی شان به
محافل سیاسی و اجتماعی تبدیل شدند که
سمی داشتند با بهره گیری از امکانات موجود،
مشکلات جامعه را رفع کنند.
آنان در این راه نو موقیتهایی به دست
آوردند که با توجه به ویژگی های آن عصر،
کم سابقه بود.

فعالیت هایی که این نهادها به آن پرداختند،

برای دولت وقت میسر نبود زیرا به برقراری
امنیت، ثبات سیاسی و بودجهی کافی نیاز
داشت. علاوه بر آن به علت عدم محبوبیت
دولت وقت، نزد عامه ی مردم، امکان جلب
مشارکت عمومی در این زمینه ها وجود
نداشت. اما انجمن های مذهبی و سیاسی با
توجه به پایگاه مردمی خود، نشان دادند که
بیداری سیاسی و اراده ی ملی در رفع مشکلات
اجتماعی و فرهنگی تنها عوامل موفقیت
به شمار می روند.
با نگاهی به عملکرد شرکت اسلامیه که
موفق ترین نمود فعالیت هیأت های مذهبی در
دوره قاجار بود، می توان دریافت که چگونه
همه ی گروه های اجتماعی همچون روحانیان،
تجارت و کسبه، رجال سیاسی و توده ی مردم،
همگام با یکدیگر در راه تحقق یک ایده ی ملی
کوشیدند و شرکتی را شکل دادند که الگوی
مناسبی برای گروه های دیگر شد و محدوده ی
فعالیت و آوازه ی بنیانگذاران آنرا از اصفهان
فرا تر برد و نشان داد که هیأت های مذهبی به جز
برپایی مراسم سوگواری در محله ای کوچک
می توانند زمینه ی مناسبی برای جلب مشارکت
ملی و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی
بوده و از این طریق در محیطی گسترده تر از
یک محله یا یک شهر، به فعالیت و مآلاً
تأثیرگذاری بپردازند.

پی نویسی

۱. گزارش آیت کنسول انگلستان در ایران به نقل از
مقاله ی: جان فوران؛ مفهوم توسعه ی وابسته در دوره ی
قاجار، ترجمه احمد تدین، مجله تاریخ معاصر ایران، ج
۴، ۱۳۷۱، ص ۵۳.
۲. برای اطلاع بیش تر درباره ی زندگی نامه این در
روحانی نگاه کنید به مصلح الدین مهدوی؛ تاریخ علمی و
اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، نشر الهدایه، ۱۳۶۷،
ج ۱، ص ۴۶۷.
۳. حاج آقا نورالله اصفهانی؛ مکالمات مقیم و
مسافر، ۱۳۲۷ ه. ق. به نقل از کتاب: «رسائل مشروطیت»
غلامحسین زرگری نژاد، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۴،
ص ۲۱۵ تا ۲۶۸.
۴. خسرو معتضد؛ حاج امین الضرب و تاریخ
تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران، تهران،
انتشارات جانزاده، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۵۵.
۵. همان، ص ۶۵۴.
۶. همان، ص ۶۹۰.
۷. همان، ص ۶۷۲.
۸. موسی نجفی؛ اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت
بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، بی جا، بی تا، ۱۳۶۹،
ص ۱۲۰.
۹. همان، ص ۵۴.
۱۰. همان، ص ۴۱ و ص ۱۰۶ تا ص ۱۰۸ و موسی
نجفی؛ اندیشه سیاسی...، ص ۱۳۶ تا ۱۳۹.
۱۱. مرکز استاد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر
ایران، سند شماره ق- ۱۰۸۱۷.
۱۲. محمد صدر هاشمی؛ تاریخ جرایم و مجلات
ایران، ج ۱، ج ۲ (اصفهان، کمال، ۱۳۶۳)، ص ۲۳۲ و
موسی نجفی؛ اندیشه سیاسی...، ص ۴۰.
۱۳. موسی نجفی؛ اندیشه سیاسی...، ص ۱۶۳ و
۱۶۴ و ۱۶۷ و ۱۶۸.
۱۴. همان، ص ۵۲۴.

تصویر یکی از
روزنامه های دوران قبل از
مشروطیت - نرا - در مورد
تحریم اقتصادی و ترویج
خودکفایی از سوی آقا
نجفی.